

# خوشبختی و زندگی ایده آل

عبدالهادی گمشاد زهی  
استاد دارالعلوم زاهدان

کند، به گونه‌ای که امروزه تحول بزرگی در همه ابعاد زندگی اتفاق افتاده است و هر روز محصولات جدیدتری برای رفاه و آسایش بشر ساخته می‌شود. خانه‌های قدیمی و پلاسه‌های خود را به ساختمانهای زیبا با تجهیزات متنوع داده‌اند، ابزار آلات سنتی کنار گذاشته شده و به جای آن از وسایل پیشرفته صنعتی استفاده می‌شود.

وسایل حمل و نقل و ارتباطات نیز شاهد دگرگونی عظیمی بوده و به سرعت خارق العاده‌ای رسیده است. وسایل اطلاع رسانی و سرگرم کننده نیز شاهد تحولات زیادی بوده و رسانه‌های جدیدی همانند رادیو، تلویزیون، اینترنت و ماهواره به وجود آمده و برنامه‌های متنوعی ارائه می‌دهند.

بطور خلاصه می‌توان گفت یک انقلاب کامل در همه ابعاد زندگی و حتی افکار بشر اتفاق افتاده است، بشر به کمک علوم و تکنولوژی جدید برای بدست آوردن ثروتهای زمین به اعماق دریاها و ژرف رفته؛ قله مرتفع جهان را فتح کرده و ذخایر زمینی را از دل زمین بیرون آورده است و به این هم اکتفاء نکرده بلکه پا را از کره زمین فراتر نهاده و به فکر تسخیر فضا برآمده است.

و البته در این میان کشورهای غربی از موفقیت بیشتری برخوردار بوده‌اند، این کشورها در کنار تحولات علمی و صنعتی، شاهد یک دگرگونی دیگر نیز بوده‌اند، این دگرگونی

زندگی ایده آل و سعادت مند موهبتی است که هر انسانی آرزویش را دارد. زندگی که در آن اثری از بدبختی، ناکامی و درگیری نباشد و در آن انسانها به وظایف خویش آشنا بوده و از معاشرت با هم لذت ببرند. بدون تردید همه انسانها به دنبال چنین زندگی هستند و همه برای رسیدن به آن تلاش می‌کنند. مکاتب فکری جهان نیز درصددند چنین فضایی را برای پیروان خویش ایجاد نمایند.

اما همه از یک راه برای رسیدن به این هدف مشترک استفاده نمی‌کنند؛ عده‌ای سعادت زندگی را در داشتن رفاه و آسایش می‌دانند، به همین خاطر سعی می‌کنند با بدست آوردن ثروت و قدرت، زندگی مرفه‌ای را برای خویش بسازند و خانواده شان را از هر نعمتی بهره مند سازند.

عده‌ای نیز قید و بندهای مذهبی و اجتماعی را مانع رسیدن انسان به خوشبختی می‌دانند، به همین خاطر تلاش می‌کنند که این قید و بندها را از زندگی خود دور نموده و از هر تفریح و لذتی استفاده کنند و هیچ حد و مرزی قائل نباشند.

بعضی‌ها تمام بدبختی‌های بشر را ناشی از بیسوادی و عدم اطلاع از علوم و تکنولوژی جدید می‌دانند و معتقدند با دسترسی به این علوم به تمام خوشبختی‌ها دست خواهند یافت. وجود این تمایلات در انسان باعث شده که بشر روز به روز در راه رسیدن به این اهداف به موفقیت‌های جدیدی دست پیدا

کنار گذاشتن دین و پشت کردن به معنویات و ارزشهای اخلاقی بود که غرب با تمام قوا به آن اقدام کرد.

در کشورهای پیشرفته تمام تلاش دولتمردان این است که معیار زندگی بالا برود و شهروندان از امکانات پیشرفته شهری برخوردار شوند، وجود این رونق و رفاه افسانه‌ای و خیال‌انگیز باعث شده که تحصیل‌کردگان و جوانان از کشورهای جهان سوم مهاجرت کنند و خود را به هر قیمت به آنجا برسانند، تا شاید از سعادت زندگی آنها سهمی ببرند و چند روزی را در آن بهشت رویایی سپری نمایند. البته کشورهای جهان سوم نیز بیکار نشسته و گرچه با فاصله زیاد اما در همان مسیر دست به اقداماتی زده‌اند، برنامه‌های عمرانی و رفاهی را از اولویتهای خویش قرار داده و بودجه‌های کلانی به آن اختصاص داده‌اند.

اما آیا این تلاشها موفق بوده و سعادت را به ارمغان آورده است؟ آیا انسان قرن بیست و یکم در اوج پیشرفت علم و صنعت به آرزوهایش رسیده است؟

در این نوشتار برآنیم که به این سؤالات پاسخ گفته و عوامل واقعی سعادت را بررسی نماییم، البته هرگز قصد نداریم با نگاهی راهبانه و قضاوتی یکجانبه به نفی اسباب و مظاهر مادی زندگی پردازیم.

اما واقعیتهای جامعه و جهان نشان می‌دهد که بسیاری از این تلاشها ناکام مانده و نتوانسته‌اند خوشبختی را به انسان هدیه کنند. چه بسا انسانهای مرفه و برخوردار از همه نعمتهای مادی، از این موهبت الهی بی بهره‌اند.

می‌توان گفت بسیاری از هزینه‌هایی که به این منظور صرف شده هدر رفته و نتیجه معکوس داده‌اند، پریشانی و اضطراب انسانها بیشتر شده است، زندگی خانوادگی از هم گسیخته و روز به روز آمار افسردگی، خودکشی و طلاق افزایش یافته است. سن ازدواج بالا رفته و تمایلی برای تشکیل خانواده وجود ندارد.

اعتیاد به مواد مخدر به یک معضل بین‌المللی تبدیل شده است و بسیاری از جوانان و نوجوانان تحت تأثیر برنامه‌های تربیتی مبتذل و الگوهای جدید دست به آشوب، قتل و سرقت زده و زندگی خود و دیگران را دچار تلاطم و اضطراب

کرده‌اند، آمار جرم و جنایت افزایش یافته و زندانها ظرفیت پذیرش جمعیت رو به ازدیاد جنایتکاران را ندارند.

پس راه حل چیست؟ و کجا باید به جستجوی سعادت گشت؟ آنچه مسلم است این است که سعادت و خوشبختی را با پول نمی‌شود خرید، سعادت آرامش درونی و احساسی است که بیشتر به اندیشه‌ها، افکار و اعمال درونی شخص مربوط می‌شود تا به امکانات و اسباب بیرونی. برای رسیدن به چنین احساسی توجه به دو مقوله ضروری است:

۱- پذیرش اصول ارزشمند روحی و معنوی

۲- معتقد بودن به زندگی اجتماعی و رعایت حقوق فردی در تعلیمات اسلامی به این دو امر به عنوان حقوق الله و حقوق العباد یا اعتقاد و اخلاق تأکید بسیار شده است.

### الف: ایمان و اعتقاد:

داشتن اعتقاد به ذات مقدس خداوند و روز رستاخیز مهمترین نیرویی است که زندگی انسان را هدفمند و توأم با خوشبختی می‌نماید. بدون این اعتقاد و بدون امید به زندگی آخرت، زندگی سرد و بی ارزش می‌شود؛ کارشناسان و متخصصین اعصاب و روان معتقدند یکی از عوامل مهم افسردگی و بالا رفتن مصرف داروهای اعصاب در غرب، عدم توجه به معنویات و بی هدف بودن زندگی است.

انسان بی اعتقاد در دنیا خود را تنها و بی پناه احساس می‌کند، به همین خاطر در برابر مصائب و مشکلات تحمل خویش را از دست می‌دهد. او زندگی دنیا را تمام حیات خویش و مرگ را پایان همه چیز خود می‌داند و چون در این زندگی محدود، به همه آرزوهایش نمی‌رسد، از زندگی ناامید شده و احساس خوشبختی نمی‌کند، هر چند که بخواهد با فراهم کردن امکانات و اسباب رفاه بصورت مصنوعی تظاهر به خوشبختی کند.

اما انسان معتقد با داشتن پناهگاه امنی همچون پروردگار خویش کاملاً احساس امنیت کرده و از زندگی خویش لذت می‌برد، هر چند که با مشکلات و کمبودهایی مواجه می‌شود. او با

به دلیل جایگاه خاصی که دارد یکرشته حقوق، وظایف و مسؤولیتهایی دارد که تنها در پرتو رعایت این حقوق و انجام وظایف فردی است که زندگی سالم و سعادت‌مند خانوادگی، که لازمه رشد و تعالی انسان است؛ تحقق می‌یابد.

البته ممکن است در یک مجتمع و خانواده گاهی منافع افراد با هم در تضاد و اصطکاک واقع شود، در چنین صورتی اگر اعضای خانواده به جای درک متقابل فقط به منافع فردی خود و انتظاراتشان از یکدیگر توجه کنند و صرفاً به مطالبه حقوق خود پردازند، زندگی پر اضطراب و تلخی خواهند داشت و طبیعی است که هیچکدام از آنها به حقوقشان هم نرسند و همواره از یکدیگر شکایت داشته باشند. از اینرو لازم است که هر یک از اعضای خانواده به جای مطالبه حقوق خویش به انجام وظایف خود در قبال یکدیگر توجه داشته و بیش از آنچه که از دیگران انتظار دارند به دیگران خدمت کنند.

در اینجا بصورت اجمالی بعضی از وظایف هر یک از اعضای خانواده را متذکر می‌شویم:

### وظایف فرزندان در قبال پدر و مادر:

پدر و مادر نه تنها به عنوان سرپرست و بزرگ خانه، بلکه به عنوان کسانی که بزرگترین حق را برگردن فرزندان دارند، شایسته احترام و پیروی هستند. احترام گذاشتن به والدین و بهره‌گیری از نصایح حکیمانه شان می‌تواند در رشد و اصلاح فرزندان تأثیر زیادی داشته باشد و در ضمن باعث رضایت والدین نیز می‌گردد. قرآن مجید نیکی به والدین را پس از ایمان به خدا بزرگترین عمل صالح و نافرمانی آنها را پس از شرک از بزرگترین گناهان قرار داده است و این خود نشانه اهمیت حقوق آنها در شریعت اسلام است. والدین وقتی به سن پیری برسند حقوق آنها اهمیت بیشتری پیدا می‌کند و مسؤولیت فرزندان را سنگین‌تر می‌نماید، زیرا والدین پیر و ضعیف بیش از والدین جوان نسبت به رفتار فرزندان حساسند، به همین خاطر است که قرآن مجید می‌فرماید به والدین ضعیف خود با ناراحتی «أف» هم نگویید، مبادا برنجند.

صبر کردن در برابر مشکلات آنها را بر خود آسان کرده و به زندگی امیدوار می‌شود، زیرا می‌داند که اگر زندگی دنیا را آنگونه که خداوند خواسته است سپری کند، روزی به تمام آرزوهایش خواهد رسید و همین امر باعث شادی زندگی او می‌شود.

تأثیر مسایل معنوی و اعتقادی در تعامل و برخوردهای اجتماعی انسانها با یکدیگر نیز مشهود است. زیرا انسان بی اعتقاد تنها به منافع خودش فکر می‌کند و از آنجایی که زندگی دنیا را تمام حیات خود می‌داند، سعی می‌کند از هر طریق ممکن از زندگی خویش استفاده کامل را ببرد. و اگر از راههای درست به این هدف نرسد دست به کارهای خلاف می‌زند. او برای رسیدن به مطامع دنیوی کارهای خلافی همچون سرقت، خیانت، دروغ و حتی قتل را برای خویش توجیه می‌کند، و دلیلی نمی‌بیند که کاری را که ظاهراً برای او نفعی ندارد صرفاً برای خدمت به دیگران انجام بدهد، گرچه آنها پدر، مادر و حتی فرزندان خودش باشند.

طبیعی است اگر همه اعضای یک خانواده دارای چنین نگرشی باشند تا چه حد زندگیشان تلخ و بی روح خواهد بود. اما انسان معتقد می‌داند که هر کاری که در دنیا انجام می‌دهد نتیجه‌اش به خود او برمی‌گردد، گرچه ظاهراً کارش در جهت خدمت به دیگران باشد. او سعادت خویش را در گرو سعادت خانواده و جامعه می‌داند به همین خاطر در قبال آنها احساس مسؤولیت کرده و حقوقشان را رعایت می‌کند.

او برای رسیدن به کمال معنوی و رضایت پروردگار خود را ملزم می‌داند از اعمال خلاف دوری کرده و خود را به فضایل اخلاقی آراسته نماید.

### ب: رعایت حقوق یکدیگر

خانواده اولین و ابتدایی‌ترین نهاد اجتماعی انسانهاست. بسیاری از هنجارها و ناهنجاریهای جامعه ریشه در مسایل خانوادگی دارد، از این نظر نحوه برخورد اعضای خانواده با یکدیگر اهمیت زیادی پیدا می‌کند در خانواده هر یک از اعضا

مساوات میان فرزندان و محبت کردن با آنها است؛ والدین باید به فرزندان محبت کرده و نیاز به محبت را در آنها اشباع نمایند، زیرا کمبود محبت ضربه روحی به آنها وارد کرده و بعضاً موجب انحراف آنها می‌شود. همچنین اگر دارای فرزندان زیادی هستند، سعی کنند میانشان مساوات را رعایت کرده و هرگز یکی را بر دیگری ترجیح ندهند، زیرا این کار باعث ایجاد کینه و حسادت میان آنها می‌گردد.

### مسئولیت‌های شوهر:

از آنجایی که تفاوت میان خانواده‌های زن و شوهر از نظر ثروت، نسب، دیانت و فرهنگ امری طبیعی است، گاهی همین عدم برابری بهانه‌ای می‌شود برای تحقیر یکدیگر، زن و شوهر باید بدانند که معیار برتری انسان به تقوی است پس چه خوب است که به این تفاوتها اهمیتی نداده و بی جهت زندگی شان را تلخ نکنند. شوهر در عین حالی که حق دارد نگران وضعیت زن باشد اما نباید با دیدن کوچکترین اشتباهی متوسل به تنبیه و تحقیر شود و حتی اگر نیاز به سرزنش بود پیش دیگران این کار را نکند.

همچنین شوهر باید به همسر خود اعتماد داشته باشد. شک و بدبینی یکی از عوامل مهم از هم پاشیدن خانواده هاست، شوهر نباید بی جهت به زنش بدبین شود قرآن مجید صراحت دارد به اینکه بدبینی گناه بزرگی است.<sup>(۱)</sup>

شوهر باید به همسرش اعتماد داشته باشد و مسایل داخلی خانه را به عهده او بگذارد، این امر باعث می‌شود که زن احساس شخصیت کرده و بیشتر خود را مسؤول آبروی خانواده بداند.

نگهداری اسرار زن: شوهر باید محرم اسرار زن باشد و آنچه را که بین او و همسرش گذشته فاش نکند، رسول اکرم ﷺ فرمودند: از بدترین مردمان کسی است که اسرار همسرش را فاش کند<sup>(۲)</sup>

۱-سوره حجرات: ۱۲

۲-مسلم بن حجاج قشیری، صحیح مسلم، کتاب النکاح باب تحریم افشاء سر المرأة، حدیث ۲۵۹۷

متأسفانه مشاهده می‌شود بعضی از فرزندان با والدین پیر خود چنان رفتار می‌کنند که بیشتر به تحقیر و ترحم شباهت دارد تا به احترام و تقدس، در حالیکه والدین هر چند هم که پیر باشند نیازمند به احترام هستند نه ترحم! آنها انسانهای کامل و دارای همه استعدادهای بشری هستند، هر چند از نظر جسمانی ضعیف شده باشند. پس نباید با آنها به گونه‌ای رفتار شود که احساس کنند مورد تحقیر واقع شده‌اند.

### مسئولیت والدین:

مسئولیت والدین در قبال فرزندان بسیار سنگین است، این مسئولیت از بدو تولد فرزند آغاز شده و تا سن بلوغ و ازدواج او ادامه دارد، والدین موظفند ضمن اینکه اسم خوبی برای او انتخاب نمایند، باید او را بطرز صحیحی تربیت کرده و با آداب اسلامی آشنا سازند و سعی کنند به فرزندان اهمیت داده و با او برخورد محترمانه‌ای داشته باشند. زیرا انسان در هر سنی که باشد خواهان احترام است. فرزند کوچک هم دوست دارد با او مثل یک انسان محترم برخورد شود. والدین باید وانمود کنند که به فرزندان اعتماد دارند و هرگز با القاب زشت و تحقیرآمیز از او یاد نکنند، تا عزت نفسش خدشه دار نشود.

همچنین والدین باید فرزندان را به خاطر کارهای خوبی که انجام می‌دهد مورد تشویق قرار دهند، هر چند آن کار در نظر والدین بزرگ جلوه نکند. و نباید انتظار داشته باشند که فرزندان استعداد هر کاری را داشته باشد. و اگر فرزندان در یک موردی دارای استعداد نبود، او را با فرزندان موفق در آن زمینه مقایسه نکنند و از اینکه مانند آنها موفقیتی بدست نیاورده، مورد سرزنش قرار ندهند بلکه سعی کنند استعدادهای فرزندان را بشناسند و با تشویقشان زمینه رشد او را فراهم کنند، این کار باعث رشد و ترقی او شده و باعث می‌شود که بتواند در آینده کارهای بزرگتری انجام دهد؛ زیرا هر انسانی اگر مورد تشویق و قدردانی قرار بگیرد، سعی می‌کند خود را شایسته و در خور آن قرار دهد.

یکی دیگر از مسایلی که والدین باید به آن توجه کنند رعایت

### ج: اجتناب از ستیزه جویی و انتقادات بیجا

اختلاف سلیقه میان افراد یک خانواده امری طبیعی است پدر ممکن است به دلیل تجربه و سن زیاد بعضی از کارها و افکار فرزندان را اشتباه بداند و فرزندان هم ممکن است به دلیل نواندیشی و غرور جوانی افکار والدین خویش را فرسوده و قدیمی بدانند. همچنین زن و شوهر هم ممکن است در بسیاری از مسایل با هم اختلاف نظر و سلیقه داشته باشند؛ بعضی وقتها این اختلاف سلیقه‌ها زمینه‌ای برای برخورد و ستیز ایجاد می‌کند و اعضای خانواده به انتقادات تند و عیب جویی از یکدیگر می‌پردازند، که این امر باعث تلخ‌کامی و دوری از یکدیگر می‌گردد. انتقادات تند و عیب جویی کاری بسیار بیهوده است که نتیجه‌ای جز هدر رفتن وقت و ایجاد کینه و عداوت ندارد، و البته انگیزه این کار هم بیشتر اشباع حس غرور و برتری جویی در انسان است که می‌خواهد عیب کار دیگران را جلوی مردم ظاهر کرده و عرق شرم را در چهره شان ببیند. بهمین خاطر است که نتیجه درستی از آن عاید نمی‌گردد. انتقاد تحقیرآمیز حتی اگر به نیت اصلاح شخص انجام بگیرد باز هم تأثیر مثبتی نخواهد داشت زیرا مخاطب را وادار به موضع‌گیری می‌نماید و او هرگز حاضر نمی‌شود به اشتباه خود اعتراف نماید، بلکه همواره به دنبال دلالی برای توجیه اشتباهات خود می‌گردد. در ضمن این کار باعث رنجش و ناراحتی او شده و موجبات قطع رابطه را فراهم می‌کند.

البته هدف از ذکر مطالب فوق این نیست که نهی از منکر نشود و یا امر به معروف انجام نگیرد، بلکه هدف این است که برای امر به معروف و نهی از منکر از شیوه‌های درست استفاده شود. انتقاد تحقیرآمیز و جدال شیوه خوبی برای منع دیگران از کار زشتشان نیست، بهترین شیوه برای امر کردن دیگران این است که تمایل به انجام کار در وجود او زنده شود و بهترین شیوه برای بازداشتن کسی این است که انزجار از آن عمل در قلب او

همچنین شوهر موظف است نسبت به رفع نیازهای مادی همسرش اقدام نموده، محیطی امن برای او بسازد و نیز موظف است به نیازهای عاطفی و معنوی او توجه کرده و در مصائب و مشکلات کنار او باشد.

### مسئولیت‌های زن:

از مهمترین حقوق شوهر بر همسرش این است که احترام او را حفظ کند. و اگر تصور می‌کند که در بعضی از مسایل مانند ثروت، نسب، سواد و غیره در موقعیت بهتری نسبت به شوهرش قرار دارد، این موضوع را بهانه ای برای تحقیر او قرار ندهد.

احترام به شوهر در نگاه رسول الله ﷺ به حدی مهم بود که فرمودند: «اگر دستور به سجده کسی غیر از الله می‌دادم حتماً به زنها دستور می‌دادم شوهرانشان را سجده کنند»<sup>(۱)</sup>. و در حدیث دیگری فرمودند: «ایما امرأة ماتت و زوجها عنها راضٍ دخلت الجنة»<sup>(۲)</sup> «هر زنی در حالی که شوهرش از او راضی باشد، فوت کند وارد بهشت می‌گردد».

رعایت آداب اسلامی: زن باید به حجاب و شئون اسلامی پای بند باشد و سعی کند از تمام کارهایی که باعث ایجاد سوء ظن و بدبینی شوهر می‌گردد، اجتناب کند. بی بند و باری، اختلاط با مردان بیگانه، سپری کردن اوقات در بیرون منزل و غیره در کنار مضراتی که برای معنویت و آخرت زن دارد، باعث ایجاد سوء ظن در ذهن شوهر می‌گردد و گاهی همین بدبینی باعث از هم پاشیدن زندگی زناشویی و اختلاف و درگیری می‌گردد.

پرهیز از لجبازی: لجبازی عادت بدی است که زندگی خانوادگی را تلخ می‌کند و متأسفانه این عادت بیشتر از جانب زنها بروز می‌کند. زن باید جداً از این عادت پرهیزد و سعی کند زحمات شوهرش را نادیده نگیرد و به خاطر کارهای خوبش از او قدردانی کند و سعی نماید همواره با چهره‌ای شاد و قیافه‌ای آراسته جلوی او ظاهر شود، این کار باعث شادی شوهر و دوام زندگی زناشویی خواهد شد.

۱- ترمذی محمدبن عیسی، سنن ترمذی، کتاب الرضاع، حدیث ۱۰۷۹ /

سنن ابن ماجه ۱۸۴۲

۲- همان منبع، حدیث ۱۰۸۱

مشورت باعث می‌شود که افراد با استفاده از نظرات همدیگر با شناخت بهتری اقدام به کاری نمایند و جلوی بسیاری از اشتباهات را قبل از وقوع شان بگیرند.

زیرا استعداد انسانها متفاوت است و همه از توان برابری برای انجام کارها برخوردار نیستند؛ ممکن است فردی در بعضی از مسایل صاحب نظر باشد اما در مسایل دیگر، نیازمند بهره‌گیری از نظرات دیگران است.

حتی پدر هم از مشورت کردن با فرزندان خویش بی‌نیاز نیست، زیرا انسان هر چند هم بزرگ و با تجربه باشد باز هم نمی‌تواند مطمئن باشد که آرا و نظراتش صددرصد صحیح است.

رسول اکرم ﷺ با آنکه پیامبر و صاحب وحی بودند در کارها با صحابه ﷺ مشورت می‌کردند و این دستور هم از جانب الله بود؛ «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» (۲)

قرآن مجید به زن و شوهر توصیه می‌فرماید که در همه امور منزل با هم مشورت کنند، حتی در جزئی‌ترین مسایل مانند؛ از شیر گرفتن نوزاد: «فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَ تَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا».

مخصوصاً در خانواده که اعضاء منافع مشترکی دارند، مشورت کردن اهمیت بیشتری پیدا می‌کند زیرا مسؤولیت اقدامات انجام شده متوجه همه افراد می‌شود و همه از نتیجه کار مستفید و یا متضرر می‌گردند.

فایده دیگر مشورت در خانواده این است که وقتی پس از مشورت با اعضاء خانواده تصمیمی گرفته شود همه اعضا از آن حمایت می‌کنند و چون از آنها نظر خواهی شده، احساس رضایت و شادی می‌کنند. حتی اگر آن تصمیم نتیجه درستی هم نداشته باشد، انگشت اتهام بسوی یک نفر نخواهد بود، بلکه همه مسؤولیت آنرا بر عهده خواهند گرفت و در نتیجه ضربه روحی کمتری برای فرد خواهد داشت.

ایجاد شود. همانگونه که رسول الله ﷺ برای هدایت انسانها از این شیوه حکیمانه استفاده می‌کردند، در اینجا به ذکر یک مورد از این شیوه حکیمانه رسول اکرم ﷺ اکتفا می‌کنیم.

جوانی خدمت رسول اکرم ﷺ رسید و گفت: من به این شرط دعوت شما را می‌پذیرم که اجازه داشته باشم «زنا» کنم! اصحاب رسول اکرم ﷺ از گستاخی این جوان بر آشفتند، اما رسول اکرم ﷺ با شفقت کامل جوان را کنار خویش نشاندند و از او پرسیدند: آیا خواهر، مادر و دختر دارد؟ جوان عرض کرد: بله، رسول اکرم ﷺ پرسیدند: آیا دوست دارد کسی با مادر، خواهر و دخترش زنا بکند؟ جوان در حالیکه آثار ناراحتی از چهره‌اش هویدا بود، گفت: نه هرگز! رسول اکرم ﷺ فرمودند: آن زنی که تو بخواهی با او زنا کنی حتماً خواهر، مادر و دختر کسی است و قطعاً همانگونه که تو نمی‌پسندی کسی این کار را با محارمت انجام دهد، آنها نیز نمی‌پسندند. پس چگونه حاضر می‌شوی کاری را که برای محارم خویش نمی‌پسندی با ناموس دیگران انجام دهی؟! آنگاه رسول اکرم ﷺ دست خویش را بر سینه‌ی او گذاشته و صمیمانه برای عفت او دعا کردند: «اللهم اغفر ذنبه و طهر قلبه و احسن فرجه» (۱)

راوی می‌فرماید: تأثیر نصیحت حکیمانه و دعای صادقانه رسول اکرم ﷺ بگونه‌ای بود که پس از آن هرگز چنین فکری به ذهنش خطور نکرد و او از عقیف‌ترین مردمان زمان خود گشت. توجه داشته باشیم که اگر رسول اکرم ﷺ در آن لحظه که جوان چنین تقاضایی کرد، با پرخاش و سرزنش او را به اشتباه کارش تذکر می‌داد، چنین نتیجه‌ای حاصل نمی‌شد.

البته ممکن بود جوان در آن لحظه سکوت کند و دوباره چنین تقاضایی نکند اما این بیماری از قلب او خارج نمی‌شد، فقط این را یاد می‌گرفت که جلوی دیگران چنین عقیده‌ای را ابراز نکند.

### د: مشورت کردن در کارها

یکی از مسائلی که می‌تواند به تفاهم اعضاء یک مجتمع یا خانواده کمک کند، مشورت کردن با هم برای انجام کارهاست،

۱- اللدمشقی، اسماعیل بن کثیر، تفسیر این کثیر، ج: ۳، ص: ۳۹، دارالفکر، بیروت

۲- سوره آل عمران، جزء ۴، آیه: ۱۵۹

مهاجرت کرده‌اند و در درون احساس و رغبت نمی‌کنند به چیزهایی که به مهاجرین داده شده است و ایشان را بر خود ترجیح می‌دهند، هر چند که خود سخت نیازمند باشند».

بدون شک اگر همه اعضای یک خانواده دارای این صفت والای اخلاقی باشند، زندگی ایده آل و سعادت‌مندی خواهند داشت هر چند که فاقد امکانات رفاهی باشند.

بطور خلاصه می‌توان گفت برای ایجاد زندگی سعادت‌مند و حیات طیبه راهی جز زنده کردن صفات انسانی، اخلاقی در وجود خویش نیست. بی‌شک رسول اکرم ﷺ این صفات را در وجود یاران خویش زنده کردند و یک جامعه نمونه ترتیب دادند، جامعه‌ای که از هر نظر الگو بود، یک جامعه مدنی سعادت‌مند.

واقعاً یاران پیامبر با وجود اینکه فاقد امکانات رفاهی بودند، سعادت‌مند زیستند به دیگران نیز سعادت را هدیه کردند و خود سعادت‌مند از این منزل فانی به دار آخرت شتافتند تا سعادت شان جاویدان گردد. خداوند از آنان راضی باد که به ما منت نهادند و حیات طیبه را به ما عرضه کردند. خداوند شمه‌ای از آن صفات والا را به ما عنایت فرماید و ما را رهروان خوبی برای آن ستارگان سعادت بگرداند.

«آمین»

به امید روزی که بار دیگر آن صفات آسمانی در وجود مسلمین زنده گردد و حیات طیبه اسلامی به جامعه ما برگردد.

والسلام

\*\*\*\*\*

\*\*\*\*

\*\*

بعضی از افراد برای اینکه دیگران مانع انجام تصمیمشان نشوند از مشورت کردن با آنها خودداری می‌کنند، در حالی‌که در مشورت کردن لازم نیست که حتماً فرد از انجام کار منصرف شود، بلکه مشورت کردن باعث می‌شود که راه درست را برای انجام کار انتخاب نماید.

کسی که مورد مشورت قرار می‌گیرد باید با حسن نیت چیزی را پیشنهاد کند که برای آن فرد مفید است.

رسول اکرم ﷺ در این باره می‌فرمایند: «المستشار مؤتمن فإذا استشير فليشره بما هو صانع لنفسه»، کسی که از او نظر خواهی می‌شود، مورد اعتماد قرار گرفته پس همان نظری را بدهد که برای خود می‌پسندند.

### ر: ایثار

ایثار، از بالاترین صفات اخلاقی انسان است که باعث می‌گردد، انسان دیگران را بر خود ترجیح داده و امکانات شخصی خود را در جهت کمک به دیگران در نظر بگیرد؛ گر چه خودش به آن نیازمند باشد.

ایثار یکی از بالاترین صفات یاران رسول اکرم ﷺ بود که باعث جاودانگی نام آنها گردید. هنگامیکه رسول اکرم ﷺ و یاران مهاجرش به مدینه هجرت کردند، مسلمانان مدینه چنان عشق و ایثاری از خود به یادگار گذاشتند که در تاریخ نظیر نداشت. و از همین رو است که ملقب به «انصار» گشتند.

آنها تمام دارایی شان را با یاران مهاجرشان قسمت نمودند، حتی اشیاء مورد علاقه خود را که به آن نیاز داشتند به آنها تقدیم کردند. این صفت اخلاقی چنان باعث رضایت خداوند گردید که در ستایش آن آیاتی نازل فرمودند.

قرآن مجید این صفت زیبای آنها را با الفاظی زیباتر به ترسیم کشیده، آنجا که می‌فرماید: «وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ». «آنان که پیش از مهاجرین خانه و کاشانه را آماده کردند و ایمان را (در دل خود استوار داشتند) کسانی را دوست دارند که پیش ایشان